

## اشرافی‌گری، چالشی فراروی بعثت

مهدی سالاری

عضو حلقه علمی تاریخ اسلام / دانش آموخته دوره نیمه تخصصی تاریخ اسلام

### چکیده

از زمانی که خورشید اسلام طلوع کرد، در طول مسیر پیشرفت خود همواره با موانع زیادی روبه‌رو بوده است. در مکه و در زمانی که هنوز از عمر اسلام چند سالی بیش نمی‌گذشت، جریانی به نام اشرافیت راه را بر اسلام بست، و بنای مخالفت گذاشت، اشرافیتی که وجود خود را مدیون جهالت‌ها، تعصبات بیجا و ثروت‌های بادآورده‌ای می‌دانست که از راه نامشروع به دست آمده بود و اطمینان داشت که اگر اسلام پا بگیرد مردم از خواب جهالت بیدار خواهند شد و دیگر آنان غلامان حلقه به گوشه نمی‌خواهند بود که به هر صراطی مستقیم باشند.

با ظهور دین جدید، بسیاری از سران عرب و به خصوص قریش، موقعیت خود را در خطر دیدند؛ لذا کمر همت بسته مُجدّانه به مقابله با اسلام برخاستند، و موانع بسیاری را به وجود آوردند. پیامبر اکرم ﷺ در طول سیزده سال رسالت خود در مکه، به علت مخالفت‌های شدید اشرافی چون ابولهب و ابوسفیان نتوانست توفیق چندانی کسب کند چه بسا اگر این مخالفت‌ها نبود همان سیزده سال برای تبلیغ دین کافی بود و ده سال دیگر عمر رسالت صرف تبیین دین می‌شد.

**کلید واژه‌ها:** جهل، ثروت، قریش، رسالت، اسلام، اشرافیت، تجارت.



## مقدمه

ثروت و سرمایه در بسیاری از اوقات نه تنها باعث پیشرفت معنوی نمی‌شود، بلکه انسان را از رسیدن به مراتب عالی روحانی باز می‌دارد و این تنها، منحصر به فرد ثروتمند نمی‌شود، بلکه می‌تواند گروه یا جامعه‌ای را نیز از این امر مهم باز دارد. بسیاری از ثروتمندان که مال خود را از راه غیر مشروع به دست آورده‌اند کمتر پایبند به دستورات دین اسلام هستند؛ چرا که یا باید از ثروت خود چشم‌پوشی کنند یا دین را زیر پا بگذارند که در بسیاری از مواقع گزینه دوم راحت‌تر صورت گرفته است. این قاعده بسته به زمان و مکان خاصی نیست، بلکه در تمام اعصار همواره گریبان‌گیر بشر بوده است.

در دوره قبل از اسلام و در سرزمین گرم و خشک عربستان به خاطر شرایط بد اقلیمی بسیاری از مردم به کار تجارت مشغول بودند، و از طریق تجارت امرار معاش می‌کردند. مکه یکی از شهرهای تجاری بود که مردم آن جز به گردآوری مال، چه از راه مشروع و چه نامشروع، به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند. وجود کعبه در این شهر باعث شده بود که مکه به شهری تجاری، زیارتی تبدیل شود و محل رفت و آمد بسیاری از تاجران آن روز جهان گردد.

هنگامی که رسول خدا ﷺ بانگ آزادی را از بلندای کوه «مَرَوَه» به گوش دیگران رساند، ثروتمندان دانستند که باید آنچه را از راه نامشروع به دست آورده‌اند بازگردانند و در راه خدا آنچه را که دارند انفاق کنند؛ کاری که دشوار بود و دور از انتظار. سخنان پیامبر ﷺ آنان را می‌آزرد، تا اینکه زبان به شکوه گشودند و علم اعتراض برافراشتند؛ و این آغازی بود بر مخالفت‌ها و ممانعت‌هایی که نمی‌گذاشت اسلام به راحتی در جامعه رواج پیدا کند.

همین اشرافی‌گری و ثروت‌اندوزی در بسیاری از مواقع مانع رسالت رسول خدا ﷺ شد، و نگذاشت اسلام روند پیشرفت خود را به راحتی طی کند. این تفکر که ثروتمندان باید بر دیگران برتری داشته باشند و بر آنها حکومت کنند، اشرافی‌گری را دامن می‌زد و همین تفکر نادرست بود که در بسیاری از مواقع راه را بر راهیان روشنایی می‌بست.



در این مقاله به دنبال پاسخ یک پرسش هستیم و آن اینکه اشرافی‌گری و ثروت اندوزی چرا مانع رسالت شد و چگونه این امر صورت می‌گرفت. به امید آنکه نقطه‌ی شروعی باشد بر کارهایی جدی‌تر؛ چون جایگاه ثروت در دین اسلام، مسلمانان و سرمایه‌داری و... .

### اشرافی‌گری مانع رسالت رسول خدا ﷺ

مکه شهری است در وادی لم‌یزرع و محصور در میان چهار کوه، آب در این سرزمین یافت نمی‌شود مگر چاه زمزم، این زمین قابل کشت و کار نیست، ساکنان آن به ناچار مایحتاج خود را از اطراف و خارج مکه تأمین می‌کنند و اکثر آنها به کار تجارت مشغول بودند. بنابراین، قافله‌های تجارتهای اهل مکه دائم بین شام و یمن در جریان بودند و تهیه و تدارک این قافله‌ها عمده‌ترین اشتغال قریش بود. کمتر قافله‌ای از مکه به شام و یمن عزیمت می‌کرد که اکثر قریش مکه-زن و مرد- در آن سرمایه‌نگذاشته باشند و در مراجعت بهره‌ای از آن امید نداشته باشند.<sup>۱</sup>

از این تجارت، خانواده‌های بزرگ مکه- بنی‌امیه، بنی‌مخزوم و دیگران،- ثروتهای گران اندوخته بودند<sup>۲</sup> و این ثروت‌ها را ربا افزون می‌کرد<sup>۳</sup>. تجار قریش ربا را نوعی بیع تلقی می‌کردند و بهره آن را دیناری به یک دینار مطالبه می‌کردند.<sup>۴</sup> ربا در میان تجار امر رایجی بود و نوعی معامله شمرده می‌شد، و بسا که تاجر قریش در این کار مروت عربی را هم فراموش می‌کرد. ربا خواران قریش، فقرای مکه و اهل بادیه را در واقع غارت می‌کردند. در مواقع تنگدستی بدهکار غالباً از پا در می‌آمد و خود و کسانش برده و مزدور طلبکار می‌شدند، اینها موظف بودند برای او مجانی کار کنند و با این بیگاری وام خویش را نیز بپردازند.<sup>۵</sup>



۱. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۱۱۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۱۴.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۱۳.

۴. زرین کوب، بامداد اسلام، ص ۱۱ و ۱۲.

۵. همان، ص ۱۵.



قریش که متولی کعبه بود بیش از سایر اعراب از مواهب و عواید کعبه بهره می‌برد.<sup>۱</sup> اگر چه کعبه به قریش اختصاص نداشت و هر قبیله‌ای برای خود در آن بتی برای پرستش داشت، اما قریش حق حاکمیت خود را بیش از دیگران می‌دانست و همین امر باعث شده بود تا دیگر قبایل، قریش را به عنوان قبیله‌ای قدرتمند و صاحب مکارم<sup>۲</sup> بشناسند و از او اطاعت کنند.<sup>۳</sup> این امر ادامه داشت تا اینکه خورشید اسلام طلوع کرد و رو به گسترش نهاد.

با ظهور دین جدید، بسیاری از سران عرب و به خصوص قریش، موقعیت خود را در خطر دیدند.<sup>۴</sup> رسول خدا ﷺ به ستیز با چیزی برخاسته بود که سران عرب از طریق آن بر مردم حکومت می‌کردند؛ زیرا بزرگان مکه رباخوار، تاجر و برده‌دار بودند و مخالفشان با تبلیغات رسول خدا ﷺ برای تعصبات دینی نبود، بلکه تبلیغات رسول خدا ﷺ علیه بت پرستی، برای منافع بازرگانی و سیاسی مکه خطرناک بود؛ زیرا دعوت وی ممکن بود به سقوط و پرستش کعبه و بتان آن نینجامد، و این خود نه تنها هجوم زوار را متوقف و در عین حال بازار مکه را کساد و مناسبات بازرگانی آن شهر را با دیگر نقاط ضعیف می‌کرد، بلکه باعث سقوط نفوذ سیاسی مکه می‌گردید. بدین سبب بزرگان مکه دعوت رسول خدا ﷺ را از نظرگاه منافع خویش بس خطرناک شمرده، از وی متنفر بودند.<sup>۵</sup> ابولهب که بی‌گمان در گسترش اسلام، پایگاه اشرافی خویش و بنیاد اشرافیت مبتنی بر بت پرستی را در خطر می‌دید و خوب می‌دانست که تداوم نظام اشرافی و استمرار حکومت اشراف، با تداوم تفکر شرک و بت پرستی پیوند ندارد، پس از مشاهده گسترش دعوت رسول خدا ﷺ همه جا به مقابله جدی با او پرداخت.<sup>۶</sup>

بدیهی است برای اشراف مکه که تمام ارزش‌های اشرافی و مناسبات حاکم بر مکه و جامعه عربی را در قلمرو اقتدار سیاسی و نظامی اشراف، رفتار و سنن اشرافی،

۱. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة نبی الاعظم، ج ۲، ص ۴۰.

۲. محمود آلوسی، بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب، ج ۱، ص ۲۵۰.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۱.

۴. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۸.

۵. پطروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، ص ۲۵.

۶. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۷.

تنعمات و امتیازات مالی، حقوقی، نسبی، قومی و... می‌دانستند و اینها را ارزش‌های قابل‌تصور و شایسته‌استمرار می‌شمردند، طبعاً درد آور و غیر قابل‌تحمل بود که رسول خدا ﷺ با آنان از رفعت و کرامت و مساوات‌جایگاه انسانی تمام انسان‌ها در نظام خلقت سخن گوید و بر همان شالوده، بر شناسایی حقوق سائلان و محرومان تأکید کند و بگوید که در اموال ثروتمندان، حقی معلوم برای سائل و محروم وجود دارد! اشرافی که بر بنیاد فلسفه شرک و نتایج اجتماعی آن، مالکیت بر انسان‌ها را نیز قانونی و طبیعی و موجه می‌شمردند، چگونه می‌توانستند با چنین پیام‌هایی وحشت‌زده نشوند؟ اشراف مکه که بردگان را در حد چارپایانی برای خدمت به خویش می‌دانستند چگونه می‌توانستند بپذیرند که بردگانی همچون بلال و صُهب با امیه، ولید، عُتبَه و شیبَه و سایر اشراف برابر باشند؟ آنان حتی نمی‌توانستند تصور کنند که انفال و ماعون و ثروت‌هایی نظیر آنها، متعلق به همه مردم است نه اشراف.<sup>۱</sup>

از قرن‌ها پیش از ظهور اسلام، نظام مبتنی بر ارزش‌های اشراف و فضیلت‌های مبتنی بر حسب و نسب، با خصایص کلی تمام نظام‌های اشرافی در مجموعه‌های قبیله‌ای حکومت داشت. در این نظام روابط بهره‌کشی با اختصاص منابع اصلی درآمد به اشراف، تکاثر از طریق بهره‌کشی مستقیم از تهیدستان و بردگان و سرمایه‌گذاری‌های انبوه، ارزش‌های رایج و قانونی محسوب می‌شدند. به پیروی از همین مناسبات اشرافی، منزلت‌های طبقاتی، قواعد حقوقی اشرافی، امتیازات و تفاخر قومی و بالأخره رفعت و ذلت انسان بر بنیاد تَعَلُّقات خونی نیز، پایه‌های قانونی داشتند و هویتی کاملاً نهادینه پیدا کرده بودند.<sup>۲</sup>

این جایگاه اشرافی‌گری که با پوست و خون بزرگان عرب جاهلی عجین شده بود، به راحتی قابل‌تغییر نبود و همین امر باعث شده بود که ثروتمندان و سرمایه‌داران بزرگ مکه، با شنیدن آیات الهی احساس خطر کنند؛ زیرا با پیشرفت آیین رسول خدا ﷺ منافع اقتصادی آنها به خطر می‌افتاد و دیگر نمی‌توانستند بر شتر خوش‌رکاب ریاست سوار شوند و از حاصل دسترنج دیگران بر انبان خود بیفزایند.

۱. غلام حسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص ۲۴۶.

۲. همان، ص ۲۴۵.





از آنجا که ثروت، در ساختار جامعه، نقش اساسی دارد، روش‌های توزیع ثروت در میان مردم یکی از پایه‌های اصلی این ساختمان است. نظام ستمگرانه‌ای که ثروت را بر اساس لیاقت‌ها در میان مردم توزیع نمی‌کند، از مفهوم جامعه و پایه‌ها و اهداف آن دور شده است. مفهوم قومیت و ارزش آن این نیست که افرادی کار کنند، و از غذا و پوشش و مسکن محروم مانند، ولی گروهی انگشت شمار بدون لیاقت و کتکش، در خوشی‌ها و ثروت‌ها غرق باشند.<sup>۱</sup> دین جدید با این نوع تقسیم کار به سختی مبارزه می‌کرد و کار و تلاش را مایهٔ تفاخر می‌دانست نه اجداد و نیاکان را. در میان عرب جاهلی چون مبنای اجتماعی بر قدرت شخصی و قبیله‌ای بود، در پناه این قدرت می‌شد به هر کاری ولو فطرت و وجدان انسان آن را بد بداند،<sup>۲</sup> دست زد؛ بر همین اساس در مکه بازرگانان بزرگ به صورت حکام قدرت‌نمایی می‌کردند. آنها برای حفاظت از منابع خود قواعد و قوانینی را به وجود می‌آوردند و قیود و رسومی را بر پا می‌کردند که حافظ منافع و نگهبان خواسته‌ها و سودهایشان در امر بازرگانی و تجارت باشد.<sup>۳</sup>

مخالفت آنان برای محافظه‌کاری یا حتی بی‌اعتقادی مذهبی نبود، بلکه بیشتر دلایل سیاسی و اقتصادی داشت. آنان از اثراتی که ممکن بود دعوت محمد ﷺ در پیشرفت اقتصادی قوم داشته باشد بیمناک بودند، به‌ویژه یکتا پرستی محمد ﷺ که ممکن بود به وضع اقتصادی اماکن مقدس ایشان زیان برساند. افزون بر این متوجه این نکته شدند که قبول تعالیم محمد ﷺ نوعی قدرت سیاسی تازه و نیرومند را- در جامعه‌ای که تحت حمایت مشتی از متنفذان فاسد بود- به کار خواهد انداخت،<sup>۴</sup> که این امر بسیار ناخوشایند آنان بود.

شایان ذکر است که سه اصل اولیه دین مقدس اسلام عبارت‌اند از: توحید، نبوت و معاد؛ توحید برای پذیرش حکومت خدا که اختیار و حریت را به انسان می‌دهد، نبوت برای راهنمایی بشر، و معاد برای تأمین سعادت ابدی انسان‌هاست. برای

۱. جرج جرداق، امام علی صدای عدالت انسانی، ترجمه خسرو شاهی، ج ۶، ص.

۲. عباس زریاب، سیرهٔ رسول خدا ﷺ، ص ۱۴۷.

۳. علی باقری، نقش فرهنگ در تحول دین و دولت مسلمانان، ص ۲۰۷.

۴. همیلتن گیب، اسلام بررسی تاریخی، ترجمه امیری منوچهر، ص ۴۴.

پذیرش این سه اصل، تنها مانع سر راه، عادات، سنن قومی، جهالت و عقاید پوچ است، و نیز استثمار و سوء استفاده صاحبان اغراض فاسده و تسلط اقویا بر ضعفاست که سد بزرگی در مقابل دعوت اسلام تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup> ضعفها به دین میل پیدا می‌کردند، اما اقویا از ترس به خطر افتادن موقعیت خود مانع این کار می‌شدند. اگر این ممانعت‌ها نبود و پیامبر اکرم ﷺ می‌توانست آزادانه به امر تبلیغ دین پردازد، در اندک زمانی این دین فراگیر می‌شد و رسول خدا ﷺ فراغت می‌یافت بسیاری از مسائل دین را تفسیر کند تا درک آن بهتر صورت گیرد. و چه بسا در طول ۲۳ سال رسالت خود- که تنها توانست عربستان را به دین اسلام دعوت کند- کشورهای دیگر را نیز می‌توانست از این نعمت بهره‌مند کند، و خود، این موهبت الهی را به دیگر کشورها عرضه کند، نه افراد نالایقی که در دین داشتن خود آنها نیز تردید است.

مقدمات تحقق بخشیدن به خواسته‌های فطری جهان بشری و تدارک وسائل قبول حقایق و تسلیم شدن به حکم خدا- که جز اصلاح و سعادت بندگان خود چیزی نمی‌خواهد- ایجاب می‌کند که زنجیرهای عادات و سنن و روش‌های تحمیلی از هم بگسلد، و قدرت زورگویان نابود گردد و از صحنه اجتماع طرد شوند، تا زمینه برای آنان که خواهان اسلام و اهل رغبت به پذیرش دین حق هستند، فراهم آید و معلوم است که مفسدان صاحب قدرت، از مقاصد پلید خود به آسانی صرف نظر نمی‌کنند و تا جایی که ممکن است مقاومت می‌نمایند، که البته برای رهایی از شر این طبقه و رساندن جامعه به آزادی که مطابق متن آفرینش انسان است، جز جنگ چاره‌ای نمی‌ماند.<sup>۲</sup>

اگر چه جنگ و درگیری به سبب آثار ویرانگری که دارد، نکوهیده است و انسان در سایه صلح و آرامش، بیشتر و بهتر به تکامل و جود- که مقصود از آفرینش عالم و آدم است- دست می‌یابد،<sup>۳</sup> اما به ناچار در برخی از موارد نه برای هدایت گمراه به

۱. خاتم پیامبران، انتشارات حسینیه ارشاد، ص ۳۱۶.

۲. همان، ص ۳۲۲.

۳. جمعی از نویسندگان، تاریخ اسلام، ص ۸۳.



صراط مستقیم، بلکه برای جلوگیری از انحراف حق و حقیقت، باید دست به قبضه شمشیر برد و از دین دفاع کرد.

پیامبر اکرم ﷺ با سخنان مؤثر خود، تجار مکه را مخاطب می‌ساخت و آنها را نسبت به دنیا، مردمی حریص معرفی می‌کرد که در راه جمع ثروت از هیچ راهی و وسیله‌ای چشم پوشی نمی‌کنند. آنها را مردمی می‌خواند که با خوردن مال یتیمان و ناتوانان و مستمندان و خیانت در کیل و وزن، و سایر صفات زشتی که تجار و ربا خواران هر زمانی گرفتار آن‌اند، و عمده‌ترین راه درآمد آنان به شمار می‌آید، صاحب ثروت فراوان شده‌اند؛<sup>۱</sup> و نیز می‌فرمود مؤمن باید درست‌کار و نیکو رفتار باشد، اسلام سوء استفاده از هر انسانی را رد می‌کند و دستور می‌دهد که حقوق هر فردی در جامعه رعایت شود، عدالت را در رفتار می‌ستاید و ظلم را به هر شکلی گناه می‌داند؛ و این دستور با فرهنگ جوامع شهری عرب جاهلی در تضاد کامل بود.<sup>۲</sup>

صاحبان قدرت - که موقعیت خود را از راه ظلم و بی‌عدالتی کسب کرده بودند - این دستور اسلام را نیز نمی‌توانستند برتابند؛ چرا که می‌بایست دست از ظلم برداشته، به صفِ عموم مردم بپیوندند و با بردهٔ خود در مقابل خدا در یک صف به نماز بایستند. آنان به هر شیوه‌ای که می‌توانستند با رسول خدا ﷺ مقابله می‌کردند و موانعی را بر سر راه ایشان قرار می‌دادند تا بتوانند از دین او جلوگیری کنند، یا روند پیشرفتش را کند نمایند؛ لذا بارها نزد عموی پیامبر ﷺ - که بزرگ‌ترین حامی او بود - رفتند و از او خواستند تا جلو برادرزاده‌اش را بگیرد، اما موفق نشدند تا اینکه تصمیم گرفتند او را به قتل برسانند، و این تصمیم بعد از رحلت ابوطالب گرفته شد. رسول خدا ﷺ از طریق وحی از این تصمیم آگاه شد و به مدینه هجرت نمود. بعد از این اتفاق، روند مبارزه قریش شکل دیگری به خود گرفت. با آنکه آن حضرت از منظر و محضر آنها دور شده بود، ولی آثار و پیامدهای دعوت او تهدید جدی

<sup>۱</sup>. جرج جرداق، امام علی صدای عدالت انسانی، ج ۶، ص ۵۱۷.

<sup>۲</sup>. علی باقری، نقش فرهنگ در تحول دین و دولت مسلمانان، ص ۱۹۰.





محسوب می‌شد. بر این اساس، مشرکان مکه و بت پرستان قریش به جنگ با مسلمانان برخاستند.<sup>۱</sup>

از این رو می‌بینیم پیامبر ﷺ بعد از هجرت، نه تنها از شر کفار و جاه طلبان ثروت در امان نماند، بلکه با گروهی تازه و با شرایطی متفاوت روبه‌رو شد؛ چرا که همزمان با هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه، سه قبیله از یهود - به نام‌های بنی قریظه، بنی النضیر و بنی قینقاع - در آن شهر زندگی می‌کردند آنان در آنجا مراکز تولید شراب، مرکز فحشا و... و محل‌هایی برای پرورش خوک ترتیب داده بودند و علاوه بر این، احتکار طلا و نقره، معاملات ربوی و کارگاه اسلحه سازی منحصرأ در اختیار آنان بود، و به طور کلی یهود محورهای اقتصادی مدینه را در قبضه خود داشتند.

پس از آمدن پیامبر ﷺ به مدینه، امتیازات اقتصادی و سودجویی‌های ناروای یهود در معرض خطر قرار گرفت؛ چرا که با گرویدن مردم به دین اسلام و به کار بستن دستورات دین، شرابخواری، رباخواری، خرید و فروش گوشت خوک، مراکز فحشا و... رواج سابق خود را از دست داد؛ در نتیجه سرمایه داران یهود، کینه شدیدی نسبت به مسلمانان و رهبر آنان در دل پروراندند و برای فرو نشانیدن این کینه، قوم یهود دست به اقدامات زیانباری زد که وقوع جنگ‌هایی چون غزوه بنی قینقاع، بنی قریظه و بنی نضیر و خیبر از آن جمله بود.<sup>۲</sup>

همان‌طور که اشاره شد، ثروت، جاه طلبی، اشرافی‌گری و ریاست‌طلبی، از عمده‌ترین موانع رسالت به شمار می‌رود؛ اگر چه موارد دیگری چون جنگ، جهالت، قبیله‌گرایی، آداب و رسوم جاهلی و... نیز در روند پیشرفت اسلام بسیار خلل وارد کردند، اما نمی‌توان نقش پررنگ اشرافی‌گری را نادیده گرفت؛ چرا که نه تنها در روند پیشرفت دین خلل وارد می‌کند، بلکه در مواردی نیز باعث انحراف آن می‌شود.

## منابع

۱- ابن سعد، طبقات الکبری، دارالکتب العلمیه، بیروت.

<sup>۱</sup>. تاریخ اسلام، زیر نظر دکتر صادق آئینه‌وند، ص ۶۵.

<sup>۲</sup>. علی باقری، نقش فرهنگ در تحول دین و دولت مسلمانان، ص ۲۱۹.





- ۲- جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، انتشارات شریف رضی.
- ۳- عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة نبی الاعظم، دارالکتب العلمیة، بیروت.
- ۴- آلوسی، محمود، بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب، دارالکتب العلمیة، بیروت.
- ۵- پطروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، چاپ چهارم: ۱۳۵۴، پیام، تهران، ۱۳۵۴.
- ۶- زرگری نژاد، غلام حسین، تاریخ صدر اسلام، سمت، ۱۳۷۸.
- ۷- جرج جرداق، امام علی صدای عدالت انسانی، ترجمه خسرو شاهی، خرم، ۱۳۷۰.
- ۸- زریاب، عباس، سیرة رسول خدا ﷺ، سروش، ۱۳۷۰.
- ۹- باقری، علی، نقش فرهنگ در تحول دین و دولت مسلمانان، مرکز نشر بین الملل، ۱۳۸۴.
- ۱۰- همیلتن گیب، اسلام بررسی تاریخی، ترجمه منوچهر امیری، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۱۱- خاتم پیامبران، انتشارات حسینیه ارشاد.
- ۱۲- جمعی از نویسندگان، تاریخ اسلام، معارف، ۱۳۸۱.
- ۱۳- تاریخ اسلام، زیر نظر دکتر صادق آئینه‌وند، چاپ سوم: معارف، ۱۳۸۲.
- ۱۴- زرین کوب، بامداد اسلام، چاپ ششم: امیر کبیر، ۱۳۶۹.